

نهضت آزادی ایران

تاسیس ۱۳۴۰

دبیرکل محترم ...

با سلام و با آرزوی توفیق خدمت به ایران و اسلام

به طوری که آگاهی دارید، طرح اصلاح قانون انتخابات در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی

است. در ماده ۳۰ این طرح درباره کسانی که محروم از داوطلبی نمایندگی مجلس می‌باشند آمده است:

«کسانی که در جهت تحکیم مبانی رژیم سابق نقش مؤثر داشته‌اند، ملاکین بزرگ که زمین موات را به نام خود ثبت کرده‌اند، وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب، سازمانها و گروههایی که غیرقانونی بودن آنها از طرف مقامات صالحه اعلام شده و کسانی که به جرم اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران محکوم شده‌اند، از داوطلب شدن برای نمایندگی مجلس محروم هستند. محکومین به ارتداد به حکم محاکم صالحه قضایی، مشهورین به فساد و متجاهرین به فسق، محکومین به حدود شرعی (مگر آن که توبه آنان ثابت شده باشد)، قاچاقچیان مواد مخدر و معتادان به این مواد، مجورین، وابستگان به رژیم سابق، محکومین به جنایت و کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاء و غصب اموال دیگران و محکومین به سوء استفاده مالی به حکم محاکم صالحه قضایی نیز مشمول این ماده هستند.»

در میان افرادی که در این ماده از حقوق سیاسی و اجتماعی خود محروم شده‌اند احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی مورد ظلم و ستم غیرقابل توجیهی قرار گرفته‌اند و ظاهراً دیوارشان از همه کوتاهتر است.

تکلیف ملاکین بزرگ و وابستگان و صاحبان قدرت در نظام سابق روشن است. خود آنها هم ادعایی ندارند. عموماً و اکثراً هم در ایران نیستند و پیش‌بینی نمی‌شود که از میان آنها داوطلبی وجود داشته باشد. اسامی و مشخصات آنان نیز روشن است.

اما محرومیت وابستگان تشکیلاتی و هواداران احزاب و سازمانهای سیاسی به تشخیص و اعلام «مقامات صالحه» واگذار شده است.

عبارت «مقامات صالحه» یعنی چه؟ این مقامات چه کسانی هستند؟ آیا منظور این است که مقامات حکومتی دو دسته هستند؟ گروهی دارای صلاحیت و گروهی دیگر فاقد صلاحیت؟ و آیا از میان آن دسته از مقاماتی که صلاحیت دارند، کسانی هستند که هر زمان اراده کنند می‌توانند هر حزب، سازمان و گروه سیاسی را به تشخیص خود غیرقانونی اعلام کنند؟ آیا بطلان این امر نیازی به استدلال دارد؟

اولاً فرض بر این است که تمام کسانی که در جمهوری اسلامی به مقامی منصوب و یا بطور مستقیم یا غیرمستقیم انتخاب می‌شوند، واجد صلاحیت احراز چنان مقامی هستند. زیرا در غیر این صورت نمی‌بایستی به آن مقام منصوب و یا انتخاب می‌شده‌اند. بنابراین، تفکیک مقامات حکومتی به صالحه و غیرصالحه تفکیکی بلاموضوع و بی‌معناست.

ثانیاً ممکن است منظور از مقامات صالحه این باشد که هر یک از مقامات جمهوری اسلامی فقط صلاحیت انجام وظایف خاصی را که قانون معین کرده است دارا می‌باشد. این منطق درستی است. وزارت اطلاعات، بر طبق قانون، صلاحیت فعالیت در قلمرو خاصی را دارد که وزارت نیرو، یا وزارت راه و ترابری ندارد و بالعکس. بنابراین صلاحیت هر مقامی در چارچوب وظایف و اختیارات قانونی او تعریف و محدود

شده است. اگر این فرض را بپذیریم، باز هم بکارگیری واژه مقامات صالحه در این ماده از قانون انتخابات در مورد احزاب و گروههای سیاسی بی مورد است، زیرا در قوانین جمهوری اسلامی ایران اعلام انحلال احزاب سیاسی جزء اختیارات قانونی هیچ مقامی نیست. بنابراین، هیچ مقامی صلاحیت چنین اقدام و اعلامی را ندارد.

در اصل ۱۶۸ قانون اساسی آمده است:

"رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیأت منصفه در محاکم دادگستری صورت می‌گیرد. نحوه انتخاب، شرایط، اختیارات هیأت منصفه و تعریف جرم سیاسی را قانون بر اساس موازین اسلامی معین می‌کند."

کار اصلی احزاب فعالیت سیاسی است و بنابراین، رسیدگی به تخلفات احتمالی احزاب بر طبق این اصل بر عهده محاکم دادگستری است و تنها محکمه‌ای با مشخصات تصریح شده در اصل بالا، (یعنی علنی با حضور هیأت منصفه) "صالحه" تلقی می‌گردد.

به موجب قانون احزاب، مصوب شهریور ۱۳۶۰ مجلس شورای اسلامی، کمیسیون ماده ۱۰، مرکب از نمایندگان قوه قضائیه، مجلس شورا و وزارت کشور، مسئول نظارت بر عملکرد احزاب، اعم از رسمی و غیررسمی، می‌باشد. این کمیسیون به موجب ماده ۱۷ همان قانون حق دارد که در صورت مشاهده تخلفی از سوی یک حزب سیاسی، ابتدا تذکر شفاهی و سپس اخطار کتبی بدهد و اگر حزب، به نظر آنان، به تخلفات خود ادامه داد، پرونده حزب خاطی را به دادگاه صالحه بفرستد و از دادگاه انحلال حزب را تقاضا نماید. ماده ۱۲ قانون احزاب مقرر می‌دارد که رسیدگی به شکایات در محاکم دادگستری و با رعایت اصل ۱۶۸ قانون اساسی خواهد بود. به همین دلیل، ماده ۱۹ قانون احزاب شورای عالی قضایی را موظف کرده است که ظرف یک ماه از تاریخ تصویب این قانون لایحه تشکیل هیأت منصفه محاکم دادگستری موضوع اصل ۱۶۸ قانون اساسی را تهیه و با رعایت اصل ۷۴ قانون اساسی تقدیم مجلس نماید. این لایحه در هفتم شهریور ماه ۱۳۶۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده است. با آنکه هجده سال از آن زمان گذشته است، قوه قضائیه به این وظیفه قانونی خود عمل نکرده و هنوز لایحه مورد اشاره در قانون تهیه و تقدیم مجلس نشده است و اکنون می‌خواهند سرنوشت احزاب را به دست "مقامات صالحه" که معلوم نیست چه کسانی هستند بسپارند!!

با توجه به نکات بالا باز کردن راه برای دخالت "مقامات صالحه" غیر مشخص در کار احزاب سیاسی هم بی مورد و هم خلاف قانون اساسی است.

جالب توجه آن که در همین ماده ۳۰، گروههای دیگری از محرومان از حقوق اجتماعی شامل قاچاقچیان مواد مخدر، معتادان به این مواد، محکومین به جنایت و اختلاس و ارتشاء و غصب اموال دیگران که در "محاکم صالحه قضایی" محاکمه و محکوم شده‌اند می‌باشند. به این ترتیب، مجرمان و جانپان عادی بیش از وابستگان به احزاب و سازمانهای سیاسی مورد حمایت قانون قرار گرفته‌اند. زیرا رسیدگی به تخلفات آنان و محکومیت و محرومیتشان از حقوق اجتماعی، نه به نظر اشخاص و مقامات، بلکه به حکم دادگاه صالحه واگذار شده است. بکارگیری واژه "محاکم صالحه" در این مورد، برخلاف واژه "مقامات صالحه"، کاملاً معنادار و روشن است. زیرا به موجب مقررات قانونی و رویه‌های ثابت قضایی، هر دادگاهی صلاحیت

رسیدگی به پرونده‌های خاصی را دارد. حکم محرومیت گروه سوم تنها هنگامی اعتبار و جاهت قانونی دارد که توسط یک دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشد.

حال اگر به فرض یک حزب سیاسی توسط یک دادگاه صالحه قضایی و نه توسط مقامات صالحه محاکمه و رسماً محکوم و غیرقانونی اعلام شده باشد، آیا تمام اعضا و هواداران آن نیز خود به خود باید از تمام حقوق اجتماعی و سیاسی محروم شوند؟ با کدام منطق و بر اساس چه ضوابطی می‌خواهند چنین نمایشی از بی‌عدالتی را در مورد احزاب سیاسی به اجرا گذارند؟

معمولاً در صورتی که حزبی در دادگاه صالحه - به موجب اصل ۱۶۸ قانون اساسی - محاکمه و غیرقانونی اعلام شود، تنها همان دادگاه صلاحیت دارد که دامنه محرومیت رهبران حزب و اعضای آن را معین نماید. محرومیت از حقوق سیاسی و اجتماعی نوعی مجازات محسوب می‌شود. اصل سی و ششم قانون اساسی مقرر می‌دارد که: "حکم به مجازات و اجراء آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد." بنابراین اولاً "مقامات صالحه" نمی‌توانند جایگزین دادگاه صالحه قضایی شوند. ثانیاً اگر حزبی در یک دادگاه صالحه، با رعایت تمامی موازین قانونی، محاکمه شده و غیرقانونی اعلام گردد، چگونه می‌توان اعضا و هواداران آن را مجرم شناخت و مجازات کرد؟ اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی صراحت دارد که: "هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده است جرم محسوب نمی‌شود."

بنابراین، چگونه می‌توان پذیرفت که "مقامات صالحه" حزبی را غیرقانونی اعلام کنند و تمامی اعضا و هوادارانش از حقوق اجتماعی محروم گردند؟

در دولت لائیک و ضد دین ترکیه، حزب اسلام‌گرای رفاه در یک دادگاه صالحه به طور علنی محاکمه و غیرقانونی اعلام گردید. اما همان دادگاه تنها ۵ نفر از رهبران طراز اول حزب را، آن هم فقط برای مدت ۵ سال، از فعالیت سیاسی محروم کرد. همزمان، حق سایر رهبران حزب رفاه و اعضای آن برای تشکیل یک حزب دیگر پذیرفته شد و لذا حزب جدیدی (حزب فضیلت) تاسیس و اعلام گردید. هیچ یک از اعضای حزب، از جمله نمایندگان از مجلس ترکیه که عضو حزب رفاه بودند، از حقوق خود محروم نشدند و بعد از تاسیس حزب فضیلت به آن پیوستند.

اما در جمهوری اسلامی ایران - که برخاسته و سرچشمه گرفته از یک انقلاب بزرگ مردمی تاریخی است - مجلس نمایندگان، به جای حمایت از حقوق اساسی ملت، تقویت و پشتیبانی احزاب سیاسی و تثبیت ارکان جمهوریت و حاکمیت مردم، نه تنها انحلال احزاب را به تشخیص مقامات صالحه که عبارتی مجهول و مبهم می‌باشد واگذار کرده است، بلکه کلیه اعضا و حتی هواداران حزبی را که گرفتار چنین گردابی شده باشد، از حقوق خود محروم ساخته است.

برای عضویت فرد در یک حزب و اثبات آن مقررات و تشکیلاتی وجود دارد ولی تشخیص هواداران چگونه ممکن و میسر است؟

ماده یاد شده، همان طور که گفته شد، نه تنها به مجریان و ناظران انتخابات این امکان را می‌دهد که به دلخواه خود و بر حسب سلیقه سیاسی عمل کنند و هر کس را که بخواهند به بهانه‌ای و با برجستگی رد صلاحیت نمایند، بلکه به "مقامات" - که تعدادشان زیاد است و عموماً خود را صالح برای صدور حکم علیه

احزاب می‌دانند- اجازه می‌دهد که سازمانها و گروههای سیاسی را غیرقانونی اعلام نمایند. اگر ماده ۳۰ با متن کنونی آن به تصویب نهایی برسد، دامنه پیامدهای آن فراتر از انتخابات مجلس بوده و بر وضع همه احزاب اثر خواهد گذاشت. این شتری است که دیر یا زود در خانه همه احزاب خواهد نشست! حتی مسئولان آن حزب و گروهی که امروز در مجلس از قدرت زیادی برخوردار است و مورد حمایت و پشتیبانی مقامات قرار دارد، باید بدانند که چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد و فردا ممکن است گروه دیگری اکثریت را به دست آورد و "مقامات" رأی و نظر دیگری پیدا کنند. بنابراین، بهتر است که گردانندگان این احزاب نیز کمی دوراندیش باشند و سرنوشت حزب خود و اعضا و هوادارانشان را در معرض خطرات تندباد حوادث قرار ندهند. قانونمندی و توسعه سیاسی در دراز مدت به نفع تمام احزاب سیاسی خواهد بود.

نهضت آزادی ایران، با توجه به توضیحات فوق، از همه احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی دعوت می‌کند که علیه این تخلف آشکار از قانون اساسی موضع‌گیری نمایند و برای اصلاح قانون انتخابات از هر نوع اقدام مقتضی فروگذار نباشند. باید از مجلس شورای اسلامی نیز مؤکداً خواست که در متن ماده ۳۰ تجدیدنظر و آن را اصلاح نماید و بپذیرد که تصمیم‌گیری درباره انحلال احزاب و نیز محروم کردن رهبران یا اعضای آنها باید برعهده دادگاه صالحه‌ای که بر طبق اصل ۱۶۸ قانون اساسی تشکیل می‌شود، باشد، نه به تشخیص "مقامات صالحه". همه احزاب در اصلاح این ماده نفع سیاسی مشترک دارند.

نهضت آزادی ایران امیدوار است که این پیشنهاد و درخواست مورد توجه جدی و اقدام رهبران محترم آن سازمان قرار گیرد. قبلاً به خاطر توجه عاجلی که مبذول خواهید فرمود صمیمانه تشکر می‌نماید.

نهضت آزادی ایران